

اقتصاد دانش بنیان و نقش دولت در تحقق آن

صغری ارفع بلوچی^۱

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی دانشگاه الزهرا ، so.arfaa90@gmail.com

چکیده

در عصر حاضر اقتصاد دانش بنیان را می توان از جدیدترین مباحث در علوم اقتصادی دانست. در شرایط فعلی اقتصاد ایران، هر چند سرمایه گذاری در فناوری پیشرفته و کسب روزآمدترین دانش جهانی یک ضرورت استراتژیک دوربرد است اما نمی تواند چرخ اقتصاد را به حرکت درآورد. برای دانش بنیان شدن اقتصاد کشور و رهایی از وابستگی شدید به منابع، باید رویکرد متفاوتی به دانش و نوآوری در کشور در پیش گرفته شود. با توجه به اینکه در اقتصاد دانش بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در فعالیتهای اقتصادی است، فرایندهای خلق دانش، ذخیره سازی، اشتراک و به کارگیری آن باید به دقت برنامه ریزی شود تا پیشرفت اقتصاد دانش بنیان را تضمین کند. برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان بایستی شرایط لازم برای ابداع و نوآوری فراهم شود تا توانایی تبدیل ایده ها به محصولات از طریق سرمایه گذاری، به تولید محصولات جدید منجر شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر شناسایی فعالیتهای حمایتی کلیدی قابل اجرا توسط دولت در راستای کمک به بهبود روند توسعه اقتصاد دانش بنیان می باشد.

کلید واژه: اقتصاد دانش بنیان - تحقق - دانش - دولت

۱- مقدمه

اقتصاد دانش بنیان نقش بسیار مهمی در کشورهای مختلف دنیا داشته و رشد تکنولوژی رشد اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه ها، رشد صادرات (کالایی یا خدمات فنی مهندسی) از دستاوردهای اقتصاد دانش بنیان بوده است. بنابراین در این مقاله به اقتصاد دانش بنیان و جایگاه و نقش دولت در تحقق هر چه بیشتر اقتصاد دانش بنیان پرداخته می شود.

در دهه های اخیر عامل دانش و نوآوری نقشی کلیدی و تعیین کننده در توسعه و شکوفایی اقتصادی کشورها ایفا کرده است. بر این اساس نیز دیگر همچون گذشته در ادبیات توسعه اقتصادی صرفاً بر سرمایه و نیروی کار به عنوان عوامل تولید پراهمیت در سطح توسعه یافتگی کشورها تاکید نمی شود و دانش نیز به عنوان یکی از عوامل تولید مهم مورد توجه و بررسی قرار می گیرد. نتیجه این بررسی و توجهات نیز در ظهور مفهوم اقتصاد دانش بنیان (دانش محور) جلوه پیدا کرده است. در یک اقتصاد دانش بنیان، تولید، اشاعه و کاربرد دانش نقش کلیدی در خلق ثروت ایفا می کنند و میزان قابل توجهی از سرمایه گذاری ها به ابداع و نوآوری اختصاص پیدا می کند [۱].

۲- اقتصاد دانش بنیان

واژه اقتصاد دانش بنیان در دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات اقتصادی شد؛ اما تحولات دهه ۹۰ این واژه را تجدید و احیا نمود. هر چند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تلاشهای زیادی برای شاخص سازی در زمینه اقتصاد دانش بنیان انجام داد، ولی تا سال ۱۹۹۵ به جمع بندی کاملی نرسید تا اینکه در همین سال برای اولین بار چارچوب مدونی از واژه اقتصاد دانش بنیان در این سازمان در قالب سند وزارتی کمیته سیاست گذاری علم و فناوری کانادا منتشر شد. این سند تعیین کننده جایگاه الگوهای جدید رشد و عملکرد ابداعات در اقتصاد بوده است، بنابراین تعیین جایگاه نظری دانش، نحوه تعامل و واقعیات رخ داده در عالم خارج نظیر روند شتابان همگرایی بازارها، جهانی شدن، رقابت بیشتر و از همه مهم تر جهش خیره کننده فناوری اطلاعات و ارتباطات زمینه را برای تدوین الگویی اجرایی از این پارادایم رشد و توسعه اقتصادی فراهم ساخته است [۳]. از این دهه به بعد تلاش های بسیار گسترده ای در گسترش، تقویت و تلفیق مفهوم اقتصاد دانش بنیان انجام شد و مرزهای اقتصاد دانش بنیان

در اقتصاد دانش بنیان دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در همه رشته فعالیت هاست. براساس این تعریف، اقتصاد دانش بنیان تنها به تعداد محدودی صنایع مبتنی بر فناوری بسیار پیشرفته وابسته نیست؛ بلکه در این نوع اقتصاد، همه فعالیتهای اقتصادی به شکلی بر دانش متکی است [۲]. در مورد نقش دولت در تحقق اقتصاد دانش بنیان نظرات مختلفی مطرح است به این معنی که برخی دولت را موظف به حمایت های مالی مستقیم از افراد صاحب ایده و شرکت های دانش بنیان می دانند و برخی معتقدند که بهترین نقشی که دولت می تواند بازی کند کم رنگ کردن نقش خود در اقتصاد است.